



سرشناسه: شریفی، معصومه، ۱۳۵۱ -
 عنوان و نام پدیدآور: شهروز و سه انار شگفت‌انگیز روایت شده و نوشته‌ی معصومه
 شریفی؛ تصویرگر صفیه صادقی.
 مشخصات نشر: اصفهان: فرهنگ مردم، ۱۳۹۰.
 مشخصات ظاهری: ۳۲ ص، مصور (رنگی).
 شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۱۸۸-۱۳۵-۳
 یادداشت: گروه سنی: ج. د.
 موضوع: افسانه‌های عامه
 شناسه افزوده: صادقی، صفیه، تصویرگر
 رده‌بندی دیویی: ۲۱۵ ۳۹۸ ش ۴۶۷ ش ۱۳۹۰
 شماره کتابشناسی ملی: ۲۳۶۶۶۲۶

شهروز و سه انار شگفت‌انگیز



انتشارات
فرهنگ مردم

ناشر: انتشارات فرهنگ مردم

راوی و مولف: معصومه شریفی | تصویرگر: صفیه صادقی

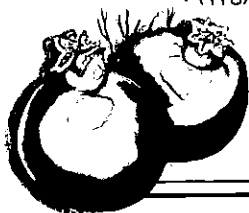
حروف‌نگار و مدیر تولید: آصفه قاصدی پور

لیتوگرافی: آرمان | چاپ و صحافی: خانه چاپ

شمارگان: ۵۰۰ نسخه | چاپ اول: ۱۳۹۱ | قیمت: ۲۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۱۸۸-۱۳۵-۳ ISBN: ۹۷۸-۹۶۴-۱۸۸-۱۳۵-۳

دفتر مرکزی: اصفهان- خ استاندارد- ساختمان شهاب- تلفن: ۰۹۱۳۳۱۵۴۱۸۵-۲۲۳۷۰۱۴
 دفتر تهران: خیابان انقلاب- خ دانشگاه- نبش شهیدای ژاندارمیری- ساختمان ایرانیان- واحد ۴
 تلفن: ۰۹۱۳۵۸۷۰۶۵۵ همراه: ۰۲۱-۶۶۴۸۴۱۷۴



شهر روز و سه انار شکفت انگیز



شهر روز جوانی خوش سیما، چهارشانه با قامتی رشید، تنها سوار بر اسب به طرف جنگل در حرکت بود و همچنان که از میان کوه‌ها و دشت‌ها می‌گذشت باد پاییزی آرام و بی‌صدا صورتش را نوازش می‌داد اما دست نوازشگر باد نتوانست غم پنهان دلش را با خود ببرد. مدتی گذشت تا به جنگل رسید.

آن روز جنگل زیباتر از همیشه خودنمایی می‌کرد، نغمه‌ی دل‌نشین پرندگان، نجوای خیال‌انگیز باد و بوی مطبوع درختان بلوط و برگ‌های رنگین درختان که هر کدام با سر انگشت نسیمی آرام و رقص‌کنان به زمین می‌افتاد و نقش زیبایی را بر پهنه‌ی جنگل می‌کشید. همه این‌ها او را غرق تماشا کرده بود.

تا این که صدای شر شر آبی او را به خود آورد. از اسب پیاده شد و همچنان که افسار اسبش را در دست داشت قدم زنان به طرف صدا حرکت کرد تا به چشمه‌ای رسید.

دستی به آب زد و کمی آب نوشید. بعد روی تخته سنگی که در آن نزدیکی بود، نشست و از غذایی که به همراه آورده بود، خورد. کم‌کم پلک‌هایش سنگین شد و به خواب عمیقی فرو رفت. خورشید آخرین پرتوهای نورش را به جنگل تقدیم کرد و آرام در افق پنهان شد و شب با هزاران رمز و راز از راه رسید و همه جا را در تاریکی فرو برد.

به دنبال آن، صداهای در هم آمیخته و

